داستان جالب خانم معلم اهل انزلی که از زباله، کتابخانه می‌سازد

کاغذ باطله بیار، کتابخانه ببر!

ندا اظهری

کاغذ روزنامه‌هایی که هر روز از دکه خریداری می کنیم، مجلات و دیگر اقلام کاغذی که هر روز دور می‌اندازیم، شاید از نگاه بعضی افراد تنها چیزهای به‌دردنخوری باشند که جاگیر بوده و سعی می کنند از شر آنها خلاص شوند اما غافل از این که کاغذهای باطله هم می‌توانند آن‌قدر ارزشمند باشند که در نهایت تبدیل به کتابخانه‌هایی شوند که علاقمندانش بتوانند از آن استفاده کنند. صفورا غله‌زاری از آن دسته آدم‌هایی است که این تکه کاغذها را دست کم نگرفته و چند سالی است به جمع‌آوری کاغذهای باطله پرداخته و ماحصل آن هم راه‌اندازی ۶ کتابخانه کوچک بوده است.

صفورا غله‌زاری متولد سال ۱۳۴۵ است و فوق دیپلم علوم اجتماعی دارد. با دو سال تحصیل در تربیت معلم و ۲۸ سال هم تدریس در مدارس دولتی از سال ۶۳، حالا چند سالی است که بازنشسته شده اما بعد از آن ۴ سالی در مدارس غیردولتی تدریس می کرد. با توجه به تبلیغات گسترده‌ای که در زمینه تفکیک زباله از مبدأ انجام می‌شد، او همیشه و حتی پیش از شروع این طرح در انزلی، به این موضوع توجه داشت و به‌طور خودانگیخته زباله‌ها را تفکیک می کرد.

کار با جمع کردن درهای پلاستیکی شروع شد

به گفته صفورا: «خرداد ۹۴ و یک سال بعد از بازنشستگی، زمانی که در مدرسه‌ای غیردولتی تدریس می کردم، در اردویی که بچه‌ها را از طرف مدرسه برده بودیم، یکی از همکاران در همان اردو اعلام کرد که یکی از اقوامشان در تبریز اقدام به جمع‌آوری درهای پلاستیکی کرده و در نهایت با فروش آنها، هزینه لازم برای خرید ویلچر معلولان را فراهم می کند. از آنجا بود که به همراه دانش‌آموزان، کار جمع کردن درهای پلاستیکی را آغاز کردیم».

او در ادامه صحبت‌هایش می گوید: «مدتی بعد با گروهی در گیلان آشنا شدم که همین کار را انجام می‌داد و به طور متمرکز با چند گروه در استان‌های دیگر همکاری می کرد که سرپرستی آنها را خانمی در قزوین بر عهده داشت. من نیز به آنها پیوستم و با راهنمایی آنها این کار را در انزلی هم انجام دادیم. اما می‌خواستم این کار در انزلی انجام شود و هزینه‌ای که از فروش این درهای پلاستیکی به دست می‌آید، تنها برای خرید ویلچر برای معلولان انزلی صرف شود و همین شد که از آن گروه جدا شدم و همین کار را در قالب یک گروه بزرگ به هدایت خودم انجام دادم.»

همین کار نقطه‌عطف شروع کمپینی بود که امروز شاهدش هستیم و صفورا گروهی را رهبری می کند که در کنار جمع کردن درهای پلاستیکی، با جمع‌آوری کاغذهای باطله، کارهای بزرگی انجام می‌دهد. این معلم بازنشسته در میان صحبت‌هایش به این نکته اشاره می کند که: «ما جمع‌آوری زباله هم می کنیم و برای پاک‌سازی ساحل و شهر و مرداب چنین کارهایی را هم انجام داده‌ایم و به‌خاطر علاقه‌ای که به محیط‌زیستمان داریم، به این کار افتخار می کنیم. اما کاغذهای باطله جمع‌آوری شده جزو زباله‌ها نبود و آنها را از زباله‌ها جدا نکردیم بلکه این حجم بالای کاغذ با فراخوانی جمع‌آوری شد که بین دانش‌آموزان مدارس، خانم‌های خانه‌دار و تمام مردم شهر پخش کردیم. بسیاری از مردم، کتاب و دفترهای استفاده نشده، مجله و روزنامه و جزوه‌های دانشجویی و تست‌های کنکور تاریخ گذشته متعددی را در انبار خود دارند و ما با جمع کردن کاغذها و فروش آنها طی دو سال، تاکنون ۱۳ تن کاغذ جمع‌آوری کرده‌ایم.»

کتابخانه‌هایی که جان گرفتند

ماحصل این کار، راه‌اندازی شش کتابخانه کوچک در انزلی بوده است. به گفته صفورا: «این کتابخانه‌های کوچک ممکن است از ۳۰ جلد کتاب یا حتی صد جلد کتاب تشکیل شده باشد اما هدف ما مهم بود که خوشبختانه به آن رسیدیم. به‌عنوان مثال، در باشگاهی که خانم‌ها برای ورزش بدنسازی شرکت می کنند، فضای کوچکی را به‌عنوان کتابخانه‌ای کوچک برای قرار دادن ۳۰ جلد کتاب اختصاص دادیم. یا در استخر بانوان، در محوطه فروش بلیت، همین کار را انجام دادیم».

به گفته او، در روزهای اول این کمپین، کاغذ کیلویی ۵۰۰ تومان بود و ما با فروش یک تن کاغذ تنها ۵۰۰ هزار تومان به‌دست آوردیم. اما با بالا رفتن قیمت کاغذ، این مبلغ هم بالا رفت تا این که به کیلویی ۱۵۰۰ تومان رسید اما به همین شکل که قیمت کاغذ بالاتر می‌رفت، به همان اندازه، قیمت کتاب هم بالا می‌رفت و این گونه نبود که بتوانیم با پولی که به‌دست می‌آوریم به فکر راه‌اندازی کتابخانه بزرگی باشیم و این ایده هرگز عملی نبود. یکی از بزرگ‌ترین کارهایی که به عنوان راه‌اندازی کتابخانه در انزلی صورت گرفته، اهدای صد جلد کتاب شامل رمان، داستان، به کتابخانه زندان شهر انزلی بود.

بیشتر کتاب‌هایی که در این کمپین خریداری می‌شوند، کتاب‌های عام و غیرتخصصی هستند که عامه مردم بتوانند از آنها استفاده کنند و هر قشری به آن علاقه‌مند باشند و به‌ویژه یکی از اهداف این طرح، خانم‌های خانه‌دار یا افرادی بودند که به خاطر قیمت بالا، خریداری کتاب برای آنها دشوار بود. در این طرح تلاش شده تا کتاب‌های به‌روزی از انتشارات خریداری شود.

پیش به سوی هدفی بزرگ‌تر

در حال حاضر، این گروه هدف بزرگ‌تری را پیش‌رو دارد و تصمیم گرفته‌اند کتابخانه را متمرکز کنند و کتابخانه بزرگ‌تر گیلان‌شناسی را تأسیس کنند. در این کتابخانه که هنوز مکان راه‌اندازی آن هم مشخص نشده، علاوه بر کتاب‌های عمومی، قرار است کتاب‌هایی در آن قرار داده شوند که حاصل کار نویسندگان، شعرا و مترجمان گیلانی بوده و علاوه بر آن، کتاب‌هایی با موضوعیت گیلان و در ارتباط با آن باشند.

صفورا می گوید: «پیش از آن که به فکر این کتابخانه بیفتیم، تعدادی کتاب تهیه کرده بودیم که اغلب عام بودند اما از این به بعد، کتاب‌ها بیشتر با موضوعیت گیلان خریداری می‌شود. از آنجا که ما در حال حاضر توان پرداخت اجاره را نداریم، به‌دنبال مکانی برای کتابخانه هستیم که یا اجاره‌ای نداشته باشد یا اهدایی باشد.»

صفورا غله‌زاری علاوه بر این که دلش برای فرهنگ و محیط‌زیست شهرش می‌تپد، آدم انسان‌دوستی است و در کنار پولی که برای خرید کتاب به‌دست می‌آورد، کارهای خیری هم انجام می‌دهد. او در کنار دغدغه‌ای که برای محیط‌زیست دارد، خودش را یک آدم فرهنگی می‌داند و به کتاب و کتابخوانی هم علاقه زیادی دارد.

صفورا می گوید: «در روزهای اول که جمع‌آوری کاغذهای باطله را شروع کردیم، یکی از دوستانم که کتابدار یک کتابخانه بود، می گفت که دوست دارد بعد از بازنشستگی، کتابخانه خصوصی کوچکی راه‌اندازی کنیم و این در ذهن من ماند تا وقتی زمانش رسید، سعی کردم با فروش کاغذها و خرید کتاب، سرانه مطالعه را در شهر انزلی بالا ببرم». آنها با کار گروهی که دارند در طول سال، کارهای مختلفی را انجام داده و اطلاع‌رسانی هم می کنند.

به‌عنوان مثال، در روزهای قبل از شروع ماه مهر، برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت لوازم‌التحریر یا لباس خریداری می کنند یا حتی این پول ممکن است در برهه‌هایی برای کمک به افراد حادثه‌دیده مانند سیل‌زدگان استفاده شود. اما در این میان، خرید کتاب به عنوان محور اصلی ادامه دارد و همان‌طور که درهای پلاستیکی را با ویلچر می‌شناسند، حالا کاغذ باطله را هم با کتاب می‌شناسند. در واقع، هدف اصلی این طرح، خرید کتاب است اما زمانی که پول کافی برای کتابخانه موجود باشد و در این میان اتفاقی رخ دهد که به این پول نیاز باشد، مبلغی نیز صرف آن کار خیر می‌شود.

خانواده‌ای کتابخوان

صفورا غله‌زاری دو دختر ۲۹ و ۱۹ ساله دارد و به خاطر گرفتاری‌ها و دغدغه‌هایی که خودشان دارند، همکاری آنها با مادرشان مانند بقیه مردم است. او می گوید: «همسرم هر جایی که احساس کند به کمک نیاز دارم، دریغ نمی کند. روزهای اولی که کار جمع‌آوری درهای بطری را آغاز کرده بودیم و به اندازه امروز همراه نداشتم، من را همراهی و کمک می کرد. در حال حاضر هم در مواقع لزوم به من کمک می کند. اگر همراهی همسر و فرزندانم نبود، نمی‌توانستم این کار را انجام دهم.» صفورا در ادامه می گوید: «دخترانم علاقه بیشتری به کتاب دارند و معمولا زمانی که بخواهند برای دوستانشان هدیه بخرند، کتاب را انتخاب می کنند و آشنایی زیادی با فیلم‌ها و کتاب‌های روز دنیا دارند. در محیط منزل مدام کتاب حضور دارد و خودم هم اهل کتاب خواندن هستم و همین باعث شده فرزندانم هم کتابخوان باشند. خودم اگر بخواهم برای کسی که اهل کتاب است هدیه بخرم، سعی می کنم کتاب خریداری کنم. بیشتر وقت‌ها داخل کیفم کتاب دارم و در مواقع بیکاری یا در ماشین که نشسته باشم، همیشه کتاب می‌خوانم.»